



خبرنامه



وقوع زلزله در شمال
ایران تلفات جانی و
مالی فراوانی به جای
گذاشت

شماره: ۱۵۷

۹ خرداد ماه ۱۳۸۲

www.komala.org

کومه له سازمان انقلابی رزمکنشان کردستان ایران

کلاسار پاشایی



وحشت از فدرالیسم
دورویی درباره
پلورالیسم

در هفته گذشته به تاریخ سوم خرداد ماه جاری روزنامه شرق مطلبی را به نقل از حمید رضا جلائی پور تحت عنوان "سراب فدرالیسم و غفلت از پلورالیسم" به چاپ رسانده است، در این مطلب جلائی پور تلاش نموده تا ظاهراً در مقام یک قاضی و یک جامعه شناس، از چند سال اول جنبش انقلابی کردستان بعد از انقلاب ۵۷ به قول خود ارزیابی واقعبینانه‌ای از این "تجربه خونین" و احزاب سیاسی حاضر در میدان، بعمل آورد. ایشان به زعم خود این امر را یکی از راههای جدی کمک به توسعه اقتصادی_ اجتماعی مردم کردستان در حال حاضر تلقی می‌نماید. جلائی پور در نهایت "فدرالیسم" را به باد انتقاد گرفته و آنرا سرابی که منجر به شکست خواهد شد قلمداد نموده است.

آنچه با خواندن این نوشته قبل از هرچیز به ذهن خواننده خطور می‌کند، شخصیت نامبرده و گذشته وی و عملکردهایش می‌باشد. باید حافظه مردم کردستان بسیار ضعیف شده باشد که اعمال امثال حمید رضا جلائی پور این جامعه شناس امروز و قاتل دیروز مردم کرد را از یاد برده باشند، کسی که امروز دم از قضاوت واقعبینانه و راهکارهای کم هزینه می‌زند، در اوایل انقلاب در مقام یک فرماندار پاسدار در شهرهای کردستان حکم اعدامهای دسته جمعی نظیر اعدام ۵۹ نفر مهاباد را امضا می‌کرد و مدالهای افتخار زیادی به عنوان پادشاه قتل عام جوانان به اصطلاح ضد انقلاب و عناصر تجزیه طلب دریافت داشته است.

با این شناخت و معرفی کوتاه آقای جلائی پور هنگامی که به ارزیابی سیاسی نامبرده می‌رسیم، چند مسئله در اینجا قابل ذکر است: اول اینکه نامبرده با اشاره‌های کوتاه و گذرا به برآمدن و شکست جنبش انقلابی کردستان که از آن تحت نام "جنبش قومی تمام" ...»

نشست کومه له با حزب بلیتز و سازمان حمایت از

حقوق پناهندگان ایرانی

در این نشست مشترک، همچنین قرار شد یک پلانفرم برای آکسیون و فعالیت مشترک برای حمایت و حفاظت از حقوق پناهندگان و نیز مبارزه با محدود و شدید بودن سیاست پناهندگی نروژ بویژه در زمینه دیپورت کردن پناهجویان کرد و ایرانی نوشته شود. گفتنی است حاضرین در نشست مذکور خود را برای راه اندازی یک آکسیون عمومی در مه ژوئن ۲۰۰۴ آماده می‌کنند.

بنا به خبری که از کمیته کومه له در نروژ به ما رسیده است، روز نوزدهم ماه مه ۲۰۰۴، رفقای این کمیته نشست مشترکی با حزب "بلیتز" و "سازمان حمایت از حقوق پناهندگان ایرانی" داشتند. در این نشست مشترک که در کشور نروژ برپا شده بود، حاضرین در خصوص وضعیت کنونی پناهندگی در نروژ به بحث و تبادل نظر و چاره جویی پرداختند.

درگذشت پدر رهبر جانباخته، رفیق محمد حسین کریمی در ستر

رنوف و رسول کریمی بیمارستان سقز در بیمارستان این شهر دیده از جهان فروبست و تمام خانواده‌ی خود و یکایک رفقای کومه له را در غم و اندوه فرو برد. بر اساس این خبر آقای محمد صالح کریمی به مدت ۲۷ روز در بیمارستان سقز

بنا به خبری که از شهر سقز به ما رسیده است، با نهایت تاسف و تأثر بسیلر در تاریخ دوشنبه چهارم خرداد ماه جاری، آقای محمد صالح کریمی پدر گرامی رفیق رهبر محمد حسین کریمی و رفقای جانباخته

نامه نمایندگی بین‌المللی حزب چپ نروژ در مورد اعضای پناهجوی کومه له

به: مسئولین وزارت خارج کشور نروژ
دریاره جمعی از پناهندگان سیاسی_ اعضای کومه له
صاحب این امضا، پروفیسور تاریخ معاصر در دانشگاه اسلو می‌باشم. دلیل نوشتن این نامه مربوط به عضویت من در نمایندگی بین‌المللی حزب سوسیالیست نروژ می‌باشد. نمایندگی بخش بین‌المللی در سالهای گذشته با احزاب کردستانی خصوصاً با احزابی که در ایران و عراق فعالیت دارند، ارتباط و پیوندی داشته است. برای نمونه یکی از این احزاب کومه له بوده است که با هم همکاری و ارتباط نزدیکی داشته- ایم. کومه له حزبی چپ و

سوسیالیست است که در سالهای اخیر از نظر سیاستگذاری و اهداف حزبی خود تغییرات مناسب و واقعبینانه- ای را به انجام رسانده است. حزبی دموکرات و سکولار است که خود را از هرگونه محدودنگری ملی و متعصبانه دور نگه داشته است و شخصاً برابن باورم که کومه له جزو احزابی است که نقش و تأثیرات زیادی در وضعیت داخلی ایران دارد، هرچند مقررات و نمایندگیهای خود را در خاک عراق مستقر نموده است اما وضعیت کنونی ایران به دلیل حاکمیت رژیم اسلامی چیزی غیر از این را اجازه نمی‌دهد. کومه له ما را مطلع ساخته است که جمعی از اعضا و فعالین

فعالیت تبلیغی

در بوکان و مریوان

صفحه ۳

درگیری مردم سنندج

با نیروهای انتظامی

صفحه ۳

تحصن شماری از فعالان

سیاسی در تهران

صفحه ۴

مرگ کارگر معدن در

حین حفاری

به گزارش خبرگزاریها در هفته گذشته یکی از کارگران معدن ذغال سنگ به نام عبدالرضا مولایی متاسفانه بر اثر ریزش ذغال در یکی از تونلهای معدن همکار واقع در شهرستان راور جان سپرد. لازم به ذکر است ناامنی کار و مجهز نبودن کارگران به وسایل ایمنی، هر ساله جان صدها کارگر را در محیط کار می‌گیرد.

سیاسی‌اش در سال ۲۰۰۲ در زیر شکنجه جان خود را از دست داده‌اند و یا اعدام گردیده‌اند. ما براین باوریم که این مسئله‌ای مهم و قابل توجه می‌باشد. در جریان همکاریهایی که با کومه له و همچنین شناختی که از نمایندگان آنها داشته‌ایم، برابن روشن شده که کومه له جریانی است جدی و قابل باور. دیپورت شدن و بازگرداندن اعضای کومه له خطر اعدام آنها را بدنبال دارد. ما از طریق نمایندگی کومه له در نروژ مطلع گشته‌ایم که جمعی از اعضای کومه له در نروژ تقاضای پناهندگی سیاسی نموده‌اند که اسم آنها را برایتان ارسال می‌کنم. بر همین ...» ۳

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

لامه وحشت از فدرالیسم ...

عیار" یاد کرده و دلایل اصلی ظهور آنرا بغیر از محرومیت‌های اقتصادی و فرهنگی، سقوط دولت مرکزی و خلا قدرتی در منطقه از یک طرف و حضور دو تشکل سیاسی کردی یعنی کومه‌له و حزب دمکرات از طرف دیگر معرفی می‌نماید. وی دلگرمی احزاب کردی از این فضا و پافشاری بر خواست خودمختاری را عامل اصلی درگیری‌های مسلحانه و شدید چریکی در برابر نظام تازه به قدرت رسیده مذهبی می‌داند که در نهایت با ایجاد فضای وحشت و ناامنی و پس راندن نظامی احزاب کردی به خاک عراق به اتمام میرسد. در این بخش جناب جامعه شناس که ظاهراً در این سالها با تحصیلات آکادمیک خود به تحلیل و بررسی تئوریک اینگونه وقایع تاریخی پیشروی نظام مقدسین پرداخته، به راحتی تاریخ را منحرف ساخته و قضاوت را کاملاً یک طرفه به انجمن عامل اصلی این جنگ خونین و متحمل شدن هزینه‌های جانی و مالی به مردم کردستان می‌داند. آنهم به این دلیل که از حقوق و خواست مردم کردستان دفاع نموده‌اند.

برهمگان میرهن است که جنبش انقلابی کردستان و مبارزات مردم انقلابی آن تاریخ مشخص و پر فراز و نشیب خود را داشته و از چندین دهه قبل مبارزات مردم کرد مراحل مختلفی را پشت سر نهاده و هر بار با خونین‌ترین سرکوبها روبرو گشته است. پافشاری بر خواست حقوق ملی توسط مردم کردستان بر متن بی حقوقی ملی و پامال شدن ابتدایی‌ترین حقوق یک زندگی انسانی و تحت ستم و خفقان حاکمان و مستبدان، طی سالیان متمادی رشد نموده و برخلاف ادعای جلائی پور محصول یک شبهه "تر خلا قدرت و عدم حضور دولت مرکزی نبوده و نیست". احزاب سیاسی موجود در صحنه نیز بازهم تاریخ مبارزه و فعالیت خود در زمان رژیم سلطنتی و مدتها قبل از سرکرامدن سیستم آخوندی را دارا بوده و آنچه که جلائی پور ارزیابی نموده حساب روی آب نبودند که به آسانی در صحنه سیاسی و ملت‌هائمان زمان قد علم کرده و به راحتی هم فرسوده و محو گردند. اگر این جناب جرأت نماید و موقعیت کنونی جمهوری اسلامی در کردستان را مورد ارزیابی قرار دهد و رورویی مردم با این رژیم و اعتراضات سیاسی‌شان را بررسی نماید، متوجه خواهد شد که این جنبش نه تنها شکست نخورده است، بلکه وسیعتر از پیش قد علم نموده است. این رژیم هار و تازه به

قدرت رسیده آخوندی بود که در ۲۸ مرداد ۵۸ وحشیانه و با تمام قوا پاسدران اسلامی را به جنگ مریم بی دفاع کردستان گسیل داشت و در نهایت با بی‌رحمی و قساوت به اشغال مناطق کردستان پرداختند. جلائی پور در بخشی دیگر از ادعاهایش احزاب سیاسی کردستانی را ساده لوح قلمداد نموده بطوری که تنها راه حل رفع تمامی مشکلات سیاسی پیش روی خلق کرد را در بدست گرفتن اسلحه می‌دیده‌اند، وی از یاد برده است که خمینی به عنوان فرمانده کل قوا در ۲۸ مرداد گفت: "به همه قوای بری، بحری و هوایی دستور میدهم که عازم کردستان شوند و غائله کردستان را خاتمه دهند" و به این ترتیب صرفاً با زبان نظامی و قتل عام و کشتار به جابگویی خواسته‌های مردم کردستان پرداختند در حالیکه نیروهای سیاسی کرد در آنزمان بارها بر میز مذاکره رفته و بر راه حل‌های سیاسی پافشاری نمودند و نهایتاً دیدیم که این رژیم تازه به قدرت رسیده آخوندی بود که موزبانه و با توطنه‌های گوناگون در راستای سرکوب جنبش کردستان گام برداشت. تمسخر برانگیزاست در این بخش جناب جلائی پور از الکسس توکویل و انقلاب فرانسه فاکت تاریخی می‌آورد که "تمامی دولت‌های برآمده از انقلابات توهی و قدرتمند هستند، امری که برخلاف تحلیل‌های کومه‌له و حزب دمکرات دارای اعتبار بوده و آنها ساده لوحانه خود را در مقابل مریم و نظم توده‌ای قرار دادند". آقای جلائی پور باید تاریخ را بهتر از این مطالعه کند و آنگاه فاکت‌های واقعی و مرتبط با مسئله را نیز ادعا نماید. همگی ما آگاهیم که رژیم آخوندی از همان آغازین روزهای سرکار آمدنش در جامعه کردستان دارای کوچکترین نفوذی نبود و هیچگاه مردم کرد توهمی به این رژیم نداشته‌اند. در انتخابات فروردین ماه ۵۸ به خوبی مشخص شد که مردم کردستان جمهوری اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسند و هیچ مشروعیتی نزد آنان ندارد، پس کدامین پشتیبانی توده‌ای بعد از انقلاب و کدام نفوذ اجتماعی که در اینجا ادعا شده است؟ اگر در روایت و تحلیل تئوریک و تاریخی جناب جلائی پور قتل و عام مخالفین سیاسی و کشتار و شکنجه و اشغال نظامی کردستان به معنای نفوذ اجتماعی میلیونی و توده‌ای رژیم محسوب می‌گردد، البته باید گفت نظریه علمی و سیاسی جدید و قابل شتی است. بعد از تفسیرات سفسطه گرانه مذکور بالاخره جناب جلائی پور به

اصل موضوع که همانا نگرانی و ترس و وحشت خود از رشد و عروج دوباره جنبش انقلابی کردستان و مطرح شدن خواست فدرالیسم است، اشاره می‌نماید. وی با تیرنه رژیم ایران در مقایسه با ترکیه و عراق در مقابل اقلیت کردها کشور خود در اعمال زور و سرکوب، با ذکر وجود تبعیض در کردستان در مورد این مسئله آنطور که خود آنرا "مقاومت اجتماعی کردی" می‌خواند، نسبت به عروج دوباره آن در سالهای اخیر هشدار داده و ابراز می‌دارد که مبادا به "نیروی پرهزینه و ضد توسعه بدل شود". جلائی پور با خطاب قرل دادن روشنفکران کردنشین و مرکزینشین و مقامات محلی و مرکزی از آنها مطالبه چاره جویی برای این بحران پیشروی نظام محبوبش را می‌نماید. وی نگرانی عمیق خود را در این مقطع از خوش‌بینی روشنفکران کرد با تشدید روندهای جهانی شدن از خواست "فدرالیسم کردی" ابراز داشته و فدرالیسم را ادامه همان راهبرد خودمختاری خواهی آغاز انقلاب که به شکست انجامید دانسته و آنرا همچون "سرابی" پرهزینه و خطرناک نامگذاری میکند و به اصطلاح دلسوزان و فعالان سیاسی مردم کرد را به پایندی به پلورالیسم و تکثرگرایی فرا میخواند که از نظر ایشان بهترین راه حل توسعه بخش کم هزینه و صلح آمیز برای این مسئله مهم است.

بدون شک سخنان حمید رضا جلائی پور این کهنه پاسدار خط امامی و جامعه شناس پوشالی معاصر که دستش به خون صدها تن از جوانان انقلابی کردستان آلوده است و مدتها در رکاب جلادان مریم کردستان خدمتگذاری کرده است، به خوبی نشانگر وحشت عمیق خود و همقطارانیش از اوچگیری تازه جنبش انقلابی کردستان در این سالها و مطرح شدن و توهنگیر شدن اساسی شعار فدرالیسم که کومه‌له تنها مبلغ و حامی رسمی این شعار در کردستان ایران است، می‌باشد. روشن است که نوشته مذکور با چنین تبلیغات مسموم کننده‌ای و در نهایت ریاکاری بطور غیر مستقیم کومه‌له را نشانه رفته، اتفاقاً اعترافاتی از این دست دل بر سنگینی وزن سیاسی کومه‌له در میان اپوزیسیون و در صحنه سیاسی کردستان می‌باشد. هرآنسان آزادیخواه و شرافتمندک، با نگاهی به ستمی که بر خلقها و ملت‌های مختلف ایران میرود، عقلانیت سیاسی‌اش در این مقطع به او حکم می‌کند که فدرالیسم را مناسبترین راه حل برای رفع ستم ملی مورد تحلیل و بررسی قرار

دهد. شعار فدرالیسم می‌رود که به شعار نه تنها خلق کرد بلکه دیگر خلقهای تحت ستم در ایران به مثابه جابگویی به ساختار متمرکز و رفع ستم ملی، بدل گردد. تغییر و تحولات یکی دوسال اخیر در منطقه بخصوص در عراق و برجسته شدن هرچه بیشتر مسئله کرد در سطح جهانی و حمایت‌های گسترده از ساختار فدرالیسم، تاثیرات مثبتی بر مبارزات مردم کرد در کردستان ایران داشته است. همین امر موجب شده که فدرالیسم به یکی از مباحث داغ و مورد مناقشه محافل روشنفکری و سیاسی جامعه کردستان تبدیل شود. مردم شهرهای کردستان نیز به وسیعی از آن پشتیبانی به عمل آورده‌اند. افقی که این خواست به لحاظ رفع ستم ملی و تثبیت حقوق ملی و حدود و اختیارات آنها در برابر قومیت‌های مختلف خصوصاً در ایران گشوده، بیش از پیش سران رژیم اسلامی و دیگر مستبدان منطقه را به وحشت انداخته است. روشن است که سران جنایتکار رژیم حاکم هیچگاه چشم دیدن همزیستی مسالمت آمیز مابین ملت‌های ایران را نداشته و مدتهاست چنین کابوسی خواب را از دیدگان‌شان سلب نموده است.

انگار جناب استاد دانشگاه افکار عمومی را به سخره گرفته‌اند که فدرالیسم را صرفاً سرابی بیش ندانسته و آنرا در مقابل پلورالیسم و توسعه گرایی قرار داده است. برآستی اگر قضاوت کنندگان تاریخ این بی‌مایه‌های خوش خدمت به حاکمان مستبد باشند، می‌توانند مبارزات حق طلبانه مردمی رنجیده چون مردم کردستان و خواست فدرالیسم را در نوشته‌هایشان لوٹ نمایند و به دفاع از جنایت و وحشیگری آخوندهای مرتجع رژیم اسلامی بپردازند. اما واقعیت اینست که جلائی پور و امثالهم دیگر در سنگر استادی دانشگاه نیز نمی‌توانند جنایت‌شان را پرده پوشی کنند. دیگر چون روز روشن است که نه غفلت از پلورالیسم و تکثرگرایی بلکه این سرکوب خونین و بیرحمانه مردم کردستان بود که به تجربه‌ای خونین و از دست دادن جان هزار تن از مردم انقلابی و بیگناه کردستان و دیگر مناطق ایران انجامید و تبلیغات مزورانه امثال جلائی پور نیز مانع از توده گیر شدن هرچه بیشتر فدرالیسم به مثابه خواسته سیاسی و جواب به خواسته‌های ملی مردم کردستان و پوشاندن ماهیت ریاکارانه وی در مورد پلورالیسم، نخواهد شد.



ادامه درگذشت پدر

مردم سقز به بیمارستان این شهر روی آوردند. به اتفاق شماری از مردم شهرهای بوکان و دیواندره و جمع کثیری از رهروان رفیق محمد حسین کریمی در شهر سقز ساعت ۵ عصر با تشریفات ویژه‌ای جسد آقای محمد صالح کریمی را در گورستان این شهر به خاک سپردند. بنا به همین خبر نیز روز سه‌شنبه، مراسم وصف ناپذیر گرامیداشت یاد آقای محمد صالح کریمی در منزل وی برگزار شده بود که از بسیاری از شهرهای کردستان مردم به این مراسم آمده و در آن حضور داشتند و از یاد و خاطره‌ی آقای کریمی و خانواده‌اش که سه تن از فرزندانشان در راه رهایی کارگران و زحمتکش‌ان از یوغ ظلم و استثمار به شهادت رسیده بودند، تجلیل به عمل آوردند. ما نیز از این طریق، از طرف کلیه رفقای پیشمرگ کومه‌له، مراتب تسلیت خود را به حضور دایه رعنا و دیگر اعضای خانواده‌ی کریمی و همچنین مردم قهرمان شهر سقز اعلام می‌داریم. همچنین از سوی رفقای پیشمرگ، اعضا و رفقای کمیته‌ی رهبری کومه‌له مراتب سپاس و قدردانی خود را بحضور یکایک مردم کردستان بویژه اهالی شهر سقز که در مراسم خاکسپاری و گرامیداشت یاد پدر رفیق رهبر محمد حسین کریمی حضور داشته‌اند تقدیم می‌داریم.

برگزاری کنسرت موسیقی

در سنندج

بنا به خبری که از سنندج به ما رسیده است یک کنسرت موسیقی به مدت چهار روز از تاریخ ۲۹ اردیبهشت تا یکم خرداد در سالن فجر سنندج با هنرنمایی خانم شهرزاد فرخ کیش اهل سنندج به اجرا درآمد. لازم به ذکر است این اولین بار است که یک کنسرت موسیقی زنانه در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی در سنندج مورد اجرا قرار می‌گیرد.

انفجار مین در بانه

بنا به خبری که از شهر بانه به ما رسیده است، انفجارات مین در بانه دو نفر را به تندی مجروح نموده است. محمد سعیدی ۲۵ ساله و شنو خدری ۱۲ ساله اهل روستای "نمشین" مصدومین اخیر این انفجارات هستند. ما آرزوی سلامتی دوباره آنها را خواهانیم و جمهوری اسلامی را بانی این جنایت می‌دانیم.

اخبار کردستان



فعالیت تبلیغی در بوکان

بنا به خبری که از بوکان به ما رسیده است، یکشنبه شب گذشته سوم خرداد ماه جاری، فعالین و هواداران کومه‌له در شهر بوکان به طرز چشمگیری تراکت و اعلامیه‌های کومه‌له را در داخل شهر پخش کرده‌اند. مکانهایی که در آن کار تبلیغی انجام گرفته عبارتند از: خیابان آموزش و پرورش، خیابان ساحلی و پارک ساحلی، خیابان ابوذر، خیابان ورزش، اطراف مسجد رسول، اطراف مسجد دارالاحسان، اطراف مسجد ابراهیم، کوچه محمدیه، اطراف فلکه قدس، کوچه‌های اطراف گنبد سردار و پارک ملت. ما به این انقلابیون خستگی ناپذیر دست مرزاد گفته و برایشان آرزوی سربلندی و پیروزی داریم. زنده و پاینده باشید برای کومه‌له و جنبش انقلابی کردستان.

فعالیت تبلیغی در مریوان

بنا به خبری که از مریوان به ما رسیده است، طی روزهای گذشته فعالین کومه‌له در سطح شهر مریوان و اطراف آن دست به کار تبلیغی گسترده‌ای زده‌اند و در اکثر نقاط شهر تراکت، نوشته و اعلامیه‌های کومه‌له را در مورد فدرالیسم، جبهه متحد کردستانی و مبارزه با مؤلف مختر پخش نموده و همچنین از طریق باجه‌های پستی در سطح شهر، CD و تراکت‌های کومه‌له را برای اکثر کارمندان و اداره‌های این شهر ارسال نموده‌اند.

نقاطی که در آنها کار تبلیغی صورت گرفته، عبارتند از: دبیرستان خمینی، مدرسه راهنمایی دخترانه بنت الهدی، مدرسه راهنمایی پسرانه آزادگان، دبیرستان بیهقی، دبیرستان شبانه روزی کوثر، پیش‌دانشگاهی دخترانه هدایت، پیش‌دانشگاهی عفت، هنرستان عصمت، دبیرستانهای اندیشه، وحدت و طالقانی، خیابان هلال احمر، خیابان مروخ، محله‌های چهار باغ، دارسیران ۲۱، دارسیران قدیم، فرمانداری جدید و قدیم، تازه آباد، ترخان آباد ۲۱، محله شاهد، محله چراغی، میدان ۱۲ سوره و محله بیمارستان.

مردی در سنندج زن خود را آتش زد

بنا به خبری که از سنندج به ما رسیده است، مدتی پیش فردی به نام پشنگ قمبری اهل کامیاران و ساکن سنندج زنش را به نام آرزو کلمی ۲۸ ساله و دارای ۲ فرزند به آتش می‌کشد. طبق این خبر پشنگ به دنبال اینکه زنش با مادر شوهرش بر سر اختلافات خانوادگی دچار مناقشه می‌شوند، او را به حمام برده و در آنجا دست و پایش را بسته و نفت برایش می‌ریزد و در حمام را می‌بندد و به این ترتیب زنش را به آتش می‌کشد و خود نیز از خانه خارج می‌گردد. آرزو با داد و فریاد سعی می‌کند که مرهم را متوجه کند تا جایی که شیشه حمام را می‌شکند و همسایه‌ها که متوجه می‌شوند، به خانه فرد مذکور داخل می‌شوند. یاری دهندگان به محض رسیدن آمبولانس آرزو را به بیمارستان سوختگان در تبریز انتقال می‌دهند. نامبرده یک ماه با مرگ و سوختگی دست و پنجه نرم کرده و سرانجام در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه در تبریز جان خود را از دست می‌دهد. شوهر آرزو (پشنگ قمبری) بعد از این حادثه برای چند روزی خود را پنهان کرده ولی ماموران آگاهی وی را دستگیر نموده و زندان می‌نمایند، ولی بر اثر نفوذ خانواده‌اش در دستگاه‌های حکومتی او را با قید ضمانت آزاد کرده‌اند.

ما ضمن محکوم کردن این جنایت از این طریق به خانواده و بازماندگان آرزو کاظمی تسلیت می‌گوییم و چنین اعمال ضد انسانی را ناشی از فرهنگ ارتجاعی مذهبی و مردسالار حاکم در جامعه که رژیم پشتیبان راستین چنین فرهنگی است میدانیم.

ادامه نامه نمایندگی بین‌المللی ...

اساس و بنا به دلایلی که در بالا ذکر گردید ما خواستاریم که پرونده دیپورت شده این افراد در چهارچوبی قانونی دوباره مورد بازبینی و بررسی قرار بگیرد.

از جانب نمایندگی بین‌المللی حزب سوسیالیست چپ نروژ

کنوت شیلداستدلی ۲۲/ مه ۲۰۰۴

درگیری مردم سنندج

با نیروهای انتظامی

بر اساس اخباری که از سنندج رسیده، روز سه شنبه ۵ خرداد ماه، میان مردم محله فرجه و ماموران دولتی درگیری شدیدی رخ داد و چندین نفر زخمی و دستگیر شدند. در جریان این درگیری که به چند خیابان اطراف این محله نیز گسترش یافت، ماموران انتظامی با شلیک "هوائی" و گاز اشک آور به مردم حمله کرده و تعدادی را دستگیر و زخمی کردند. در جریان این درگیری، مردم چند دستگاه خودروی دولتی را تخریب کردند. علت درگیری هنوز به درستی مشخص نشده است، اما گفته می‌شود ماموران انتظامی سعی داشتند دکه‌های چند دست فروش را جمع‌آوری کنند که با مخالفت صاحبان آنها و مردم مواجه شدند. برخلاف ادعای رسانه‌های رژیم، ماموران سرکوبگر مستقیماً به مردم زحمتکش و بازاری و نه "اشرار" سنندج حمله‌ور شده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، و در این میان مردم جسورانه به دفاع از خود برخاستند.

درگذشت آقای سعید

همایون در مهاباد

در حالی که خبرنامه هفته گذشته زیر چاپ بود، مطلع شدیم که سعیدخان همایون رئیس گارد جمهوری مهاباد و خواهر زاده قاضی محمد، در اثر کھولت و در سن هشتاد و چند سالگی فوت کرده است. سعیدخان همایون یکی از شخصیت‌های خوشنام در مهاباد و یکی از مبارزان دوره جمهوری مهاباد بود که هیچگاه سر تسلیم در برابر رژیم آخوندی فرود نیاورد و از مبارزات حق طلبانه مردم کردستان دفاع مینمود. تشییع جنازه آقای سعید همایون روز جمعه ۲۱ ماه مه برابر با یکم خرداد ماه ۱۳۸۳ با حضور جمع کثیری از مردم شهرهای مهاباد و بوکان و روستاهای اطراف، برگزار گردید. ما مراتب تسلیت خود را به خانواده سعیدخان همایون و دوستان و نزدیکانش به گرمی تقدیم می‌داریم.

راهپیمایی ۱۸ کیلومتری

کارگران "پاک ریس" سمنان

به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، این کارگران در جریان تجمع خود که در هفته گذشته برگزار شد، اعلام کردند که بیش از ۵ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

سید "حسین طاهرزاده"، دبیر اجرایی خانه کارگر سمنان، در گفت و گویی با خبرنگار سرویس کارگری ایلنا گفت: کارگران "پاک ریس"، در مخالفت با تعطیلی این کارخانه، طی مسیری در حدود ۱۸ کیلومتر دست به راهپیمایی زدند. وی با اشاره به این که مسیر راهپیمایی کارگران از دفتر امام جمعه سمنان تا اداره کل کار استان بوده‌است، گفت: این کارخانه در سال گذشته، با تقلیل نیروی کار، از ۲ هزار به ۹۰۰ نفر مواجه بوده‌است.

وی تصریح کرد: مدیریت کارخانه، به بهانه سوده نبودن کارخانه قصد اخراج ۹۰۰ کارگر رسمی باقی‌مانده و تعطیلی کارخانه را دارد و این در حالی است که هنوز ماشین آلات جدید این واحد راه اندازی نشده‌است. وی با بیان این مطلب که کارگران نخواهند گذاشت، این کارخانه به تعطیلی کشیده شود، گفت: اگر کارفرما مواد اولیه را وارد کارخانه کند، کارخانه می‌تواند از شرایط بحرانی خلاصی یابد.

هر روزه ۵۶ نفر در تهران

دست به خودکشی می‌زنند

بنا به گزارش خبرنگاریها و در مصاحبه‌ای که با رئیس بخش مسمومین بیمارستان لقمان در تهران انجام شده بود، در این رابطه گفته است که در طول شبانه روز ۷۰ نفر با انواع مسمومیتها به این بیمارستان منتقل می‌شوند که ۸۰ درصد آنها عمدی و با خوردن قرص است. وی همچنین افزود بیشترین علت مراجعه بیماران به این بیمارستان طی یک ماه گذشته به دلیل مسمومیت باقرصهای آرام بخش و ضد افسردگی بوده‌است.

اخبار ایران

وقوع زلزله در شمال ایران

خبرهای پخش شده بر روی رسانه‌ها حاکی از آن است که بر اثر زلزله ۲/۶ ریشتری عصر جمعه ۸ خرداد ماه ۱۳۸۲ در چند استان کشور که مرکز آن در استان مازندران بوده‌است، تلفات جانی و مالی نسبتاً زیادی به بار آورده‌است. مدیر عملیات امداد و نجات هلال احمر در این رابطه گفت: تاکنون ۲۴۹ نفر بر اثر زلزله کشته و مجروح شده‌اند که از میان این تعداد ۳۷ نفر کشته و ۲۱۲ نفر مجروح هستند اما امکان افزایش این آمار وجود دارد.

دکتر علیرضا پرند، مدیر عملیات امداد و نجات هلال احمر افزود از میان ۳۷ کشته، سه نفر در روستاها، ۲۸ نفر آنان مربوط به جاده چالوس، سه نفر در قزوین و دو نفر نوشهر و یک نفر در تنکابن بوده‌است. همچنین از میان تعداد مجروحان ۲۰۰ نفر مربوط به استان مازندران و ۱۲ نفر مربوط به قزوین می‌شود.

تحصن شماری از فعالان سیاسی در تهران،

در اعتراض به روند بازداشت‌ها



تعدادی از فعالان سیاسی جبهه دموکراتیک ایران، تشکلی که شاخصترین چهره آن حشمت الله طبرزدی، زندانی سیاسی است، در چند روز گذشته در اعتراض به بازداشت اخیر شماری از اعضا و

وابستگان به این تشکل در برابر دفتر سازمان ملل متحد در دروس تهران تحصن کردند. حسن زارع زاده اردشیر، سخنگوی جبهه دموکراتیک ایران در گفتگویی با یکی از رادیوهای خارجی می‌گوید: در حدود یک ماهی است که روند بازداشت و احضار در ایران شدت گرفته و یکی از دلایلی می‌تواند نزدیک شدن به ۱۸ تیرماه باشد. به همین خاطر و در اعتراض به این روند بازداشت‌های اخیر و در دفاع از زندانیان سیاسی ما تصمیم گرفتیم در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران دست به تحصن بزیم و این تحصن به صورت نامحدود ادامه خواهد داشت. از طرف نیروی انتظامی پلیس دیپلماتیک به نمایندگی آمدند و درخواست کردند که ما تحصن را خاتمه دهیم ما اعلام کردیم تا زمانی که واکنشی نشان داده نشود، این تحصن به صورت نامحدود ادامه خواهد داشت.

دادگاهی ۱۰ دانشجوی سیستانی

بنا به گزارش خبرگزاریها جلسه محاکمه ۱۰ عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سیستان در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه برگزار شد. یک عضو انجمن اسلامی این دانشگاه اعلام نمود اتهامات مطرح شده از سوی دادگاه علیه این دانشجویان اقدام علیه امنیت کشور و توهین به مسئولان است و آنها باید برای رسیدگی به این اتهامات در شعبه ۶ دادگاه انقلاب حاضر شوند. لازم به ذکر است یک دانشجوی دانشگاه بوعلی سینا در همدان نیز درارتباط با حوادث خردادماه به ۲ سال حبس تعلیقی محکوم گردیده‌است.

به قتل رسیدن یک دانشجوی

گنابادی زیر شکنجه

بنا به گزارشهای منتشره بر روی رسانه‌ها، دانشجویی به نام حسن حسن‌پور در گناباد زیر شکنجه‌های وحشیانه ماموران حکومتی به قتل رسیده‌است. این گزارشها حاکیست که این دانشجوی مدتی ناپدید شده بود و اثری از وی دیده نمی‌شد ولی بعد از یک هفته ماموران به خانواده‌اش اطلاع می‌دهند که برای تحویل گرفتن جنازه فرزندشان به پزشکی قانونی مراجعه کنند. گفته می‌شود بعد از مراجعه به پزشکی قانونی، مشخص می‌شود که این دانشجوی در زیر شکنجه‌های قرون وسطایی ماموران جمهوری اسلامی کشته شده‌است. ماموران رژیم اسلامی به خانواده این دانشجوی گفته‌اند حق برگزاری تشییع جنازه وی را ندارند.

قطع دست راست یک جوان

۲۵ ساله در اندیمشک

در ملأعام

دستگاه قضائی رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی دست راست یک جوان ۲۵ ساله را در اندیمشک در ملأعام قطع کرد. وی که روح الله ن معرفی شده متهم به سرقت است. در مراسم قطع دست این جوان، نماینده دادگستری نیز در محل حضور داشت. این اقدام ضد انسانی با انزجار عموم مردم اندیمشک روبرو شد. مردم می‌گویند آخوندها و آقازاده‌هایشان که پولهای نجومی را به غارت می‌برند، آزادانه می‌گردند اما کسانی را که از فرط فقر و گرسنگی ناشی از همین حکومت به دزدی روی می‌آورند، با قطع دست و شلاق و زندان مجازات می‌کنند.

زنده باد سوسیالیسم

هفتم را غیرقانونی خواندند. در همین راستا جبهه مشارکت ایران اسلامی، بزرگترین فراکسیون اصلاح طلبان در مجلس شورای اسلامی، به مناسبت آغاز به کار مجلس هفتم بیانیه ای صادر کرد. جبهه مشارکت انتخابات مجلس هفتم را در اعتراض به رد گسترده صلاحیت داوطلبان نمایندگی غیرقانونی اعلام کرد و حرکت شورای نگهبان را کودتای اصلاحات خواند. جبهه مشارکت مجلس هفتم را مجلس سنا خوانده که محصول کودتای سفید است. این کودتا را به تعبیر جبهه مشارکت دستهای نیمه پنهانی سازمان دادند. جبهه مشارکت در این بیانیه مجلس هفتم را وامدار اقلیتی صاحب قدرت و در عین حال دارای سازماندهی غیرآشکار توصیف کرده است. اقلیتی که در یک سازمان نیمه مخفی ناشناخته منسجم است.

وسرانجام اینکه حواشی جری در عراق، از مهمترین مسایل ایران در هفته گذشته بود. به دنبال تداوم درگیری در شهرهای کر بلا و نجف، شهرهای مقدس شیعیان در عراق، واکنشهای خشمگینانه مسئولان و گروه هایی از مردم در ایران ادامه پیدا کرد و آیت الله علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی، روز جمعه را در کشور عزای ملی اعلام کرد. سوی دیگر، اگرچه علی اکبر محتشمی پور، از روحانیون نزدیک به جناح اصلاح طلب، خواستار باز شدن مرز ایران و عراق برای اعزام کسانی شد که حاضرند علیه نیروهای ائتلاف دست به حملات انتحاری بزنند، اما محمد خاتمی بار دیگر تاکید کرد که توسل به خشونت در عراق از سوی هر نیرویی را مردود می داند. در این میان، بحث بر سر نحوه ارتباط احمد چلبی، از اعضای شورای حکومتی عراق و رهبر حزب کنگره ملی عراق، با جمهوری اسلامی همچنان ادامه یافت. در حالی که مقامات آمریکایی با صراحت بیشتری از آن سخن گفتند که آقای چلبی، برخی اطلاعات حساس آمریکا را در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته است، هم آقای چلبی و هم حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت امور خارجه، به تکذیب چنین موضوعی پرداختند و از آن به عنوان اتهام بی اساس یاد کردند.

ارتجاعی رژیم آخوندی گم برخواهند داشت. در هفته ای که گذشت خبرها حاکی از این مسئله بود که مجلس ششم آخرین روز کاری خود را



سپری کرد. دوره چهارساله مجلس ششم دوره ای پر فراز و نشیب برای جریان اصلاح طلب بود که از تریبون مجلس برای بیان دیدگاههای خود استفاده می کرد. اما اینک اصلاح طلبان این تریبون را به محافظه کاران واگذار کرده اند و ناگزیرند اهداف خود را در چهارچوبهای دیگری پیش ببرند. مهدی کروبی آخرین روزش از ریاست بر مجلس ششم را به دفاع از عملکرد این مجلس پرداخت. همگان سیاسی بودن را ویژگی اصلی مجلس می دانند. مجلس ششم کارنامه ای از مجادلات سیاسی با جناح راست حکومت را برجای گذاشت. و اینک جناح راست رژیم می تواند ثمرات برخورد خود با مجلس ششم را از روز اول مجلس هفتم که پنجشنبه گذشته تشکیل شد، ببیند. اگرچه این برخوردها برخوردهایی توأم با نوسانات نسبی بودند، یا برخوردهای آمیخته با واکنشهای تند. اما ماهیت این برخوردها هرچه بودند به هر حال برای اقتدارگرایان تندرو کارساز بود بطوریکه به اذعان خود اصلاح طلبان و نمایندگان مجلس، این مجلس ششم از دست یافتن به اهداف اصلی و وعده داده شده خود بازماند. همچنانکه گفته شد ۲۸۷ نماینده مجلس هفتم اولین نشست رسمی خود را آغاز کردند. این جلسه با حضور حداقل دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت یافت. مجلس هفتم در حالی کار خود را آغاز می کند که رد گسترده صلاحیت داوطلبان نامزدی در انتخابات مجلس توسط شورای نگهبان، شماری از اصلاح طلبان را از راه یافتن به این مجلس بازداشت. با رد صلاحیت بیش از دوهزار نفر، طیف وسیعی از جناح اصلاح طلب هیات حاکمه جمهوری اسلامی انتخابات مجلس

بیشتر دانشجو بوده اند. در اعتراض به حضور نیروهای بریتانیا و آمریکا در عراق در برابر سفارت بریتانیا گرد آمدند. حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه رژیم با اشاره به

درخواست تظاهرکنندگان، گفت: اخراج سفیر بریتانیا در دستور کار جمهوری اسلامی قرار ندارد. تظاهرکنندگان همچنین با پرتاب سنگ به ساختمان سفارت بریتانیا سعی کردند وارد محوطه سفارت شوند که همین اقدام به درگیری آنان و پلیس انجامید. تعداد افراد پلیس که سفارت بریتانیا را در محافظت خود گرفته بودند، بیشتر از تعداد تظاهرکنندگان گزارش شده است. همچنین در هفته گذشته چهارمین و آخرین همایش نمایندگان محافظه کار در مجلس هفتم، بازی گیری آزمایشی درباره اعضای هیات رئیسه مجلس، روز دوشنبه گذشته پایان یافت. در این همایش نیز همچون سه همایش پیشین نمایندگان، موضوع اصلی انتخاب هیات رئیسه مجلس هفتم، و به ویژه رئیس مجلس آینده بود. غلامعلی حدادعادل با ۱۲۲ رای از مجموع ۳۳۱ رای به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد. در رای گیری برای نایب رئیس، محمدرضا باهنر با ۱۶۱ رای به عنوان نایب رئیس اول، غلامرضا مصباحی با ۹۲ رای، به سمت نایب رئیس دوم انتخاب شدند. ایرج جنشیدی، روزنامه نگار در تهران، نتیجه رای گیری آزمایشی برای انتخاب اعضای هیات رئیسه مجلس هفتم را، نشانی از اختلافات موجود در میان نمایندگان محافظه کار مجلس می دانند. برخی ناظران سیاسی براین باورند که انتخاب احتمالی دکتر غلامعلی حدادعادل که یک غیر روحانی است، به طور عامدانه انجام پذیرفته، زیرا روحانیت چهره مقبول و معممی در مجلس برای این مقام در اختیار ندارد. اما بیگمان تمامی محافظه کاران دور جدید مجلس با هر ترفند و تاکتیکی کماکان در راستای سیاستهای

در هفته گذشته و در عرصه سیاست داخلی ایران برخی از خبرگزاریهای داخلی از جمله خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا و خبرگزاری کار ایران، ایلنا خبر دادند که رهبر رژیم بار دیگر با صدور حکم حکومتی به قوه قضاییه دستور داده حکم دادگاه همدان دایر بر اعدام هاشم آغاچری، استاد زندانی دانشگاه تربیت معلم را لغو کند، ولی دستگاه قضایی از صدور چنین حکمی اظهار بی اطلاعی می کند. اهمیت موضوع از جمله در این است که قوه قضاییه با پذیرش حکم حکومتی و لغو حکم اعدام آقای آغاچری حتی قبل از آن که حکم صادره به مرحله نهایی برسد، عملاً ادعای خود دایر بر استقرار قضات در جمهوری اسلامی را نقض کرده است. ادعایی که در سالهای اخیر همه احکام صادر شده به منظور تعطیل و توقیف بیش از یکصد روزنامه و زندانی شدن صدها نفر از شهروندان و فعالان سیاسی و اجتماعی دگراندیش را با آن توجیه کرده است.

در همین حال سفارت بریتانیا در تهران بار دیگر در هفته ای که گذشت شاهد تظاهرات صدها سپاهی عضو واحد بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که به عملیات نظامی آمریکا در عراق اعتراض داشتند. تظاهرکنندگان با دادن شعارهایی مانند سفیر مزدور اخراج باید گردد، خواستار تعطیل سفارت و اخراج سفیر بریتانیا در تهران شدند. شاهدان عینی به خبرگزاریهای بین المللی گفتند که همزمان با اجتماع تظاهرات سپاهیان بسیج، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بمبی را خنثی کردند که در برابر سفارت بریتانیا در تهران کار گذاشته شده بود. یک روحانی که از او با نام اصلانی و به عنوان امام جماعت مجلس شورای اسلامی یاد شد، در سخنرانی برای سپاهیان بسیج گفت: اگر رهبر جمهوری اسلامی حکم جهاد بدهد، سفارت را اشغال می کنیم. سپاهیان بسیجی در قطعنامه خود خواستار تعطیل سفارت بریتانیا در تهران شدند. میان شرکت کنندگان تظاهرات در برابر سفارت بریتانیا در تهران که حدود چهارصد نفر گزارش شده اند و پلیس برخوردهای شدید روی داد. تظاهرکنندگان که گفته می شود





های تشکیل دهنده آن بورژوازی سوادگر و دلال و زوالوصفت است، در همان حال مجری یک برنامه اقتصادی معطوف به تعدیل ساختاری است. آنچه که جمهوری اسلامی در عرصه مالی و اقتصادی جستجو می‌کند، فراتر از آن نیست که به انهدلم هست و نیست اقبال مختلف جامعه ایران معطوف شود. مافیای اقتصادی ایران که مولد رانتهای اقتصادی و هزاران پدیده زشت دیگر در عرصه اقتصاد است، چنان بر شاهرگ اقتصاد ایران چنگ انداخته که سالها پس از سرنگونی این رژیم زمان لازم است که بحران ساختاری و اقتصادی در ایران رفع گردد.

رکورد اقتصادی، یک دروغ بزرگ

وریا محمدی

عالیرتبه حکومت در تیانمی با این شرکت نروژی شد، از آخرین نمونه-های این تاراجگری است.

فتح بازارهای بین المللی که امروزه به هم و غم کشورهای مختلف جهان تبدیل شده و ستون اصلی روزه بیرون آنها به شملرمی- اصلی، بازهم در اقتصاد ایران جایش خالی است و در هیچ بازار جهانی غیر از نفت، خصوصاً در زمینه تکنولوژی و صنعت اثری از حضور ایران مشاهده نمی‌گردد. رئیس کل بانک مرکزی در چهاردهمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی، شاخصهای مربوط به بازرگانی خارجی را رکوردی دیگر برای اقتصاد ایران به حساب آورد. به گویا امرکل صادرات غیر نفتی ایران در سال گذشته خورشیدی به شش میلیارد و سیصد میلیون دلار رسیده که تازه اگر تجارت چمدانی و جابجائی کالا در بازارچه‌های مرزی را کنار بگذاریم از پنج میلیارد و پانصد میلیون دلار بیشتر نبوده است. همین آمارهای منتشره حاکی است که اطلاق رکورد به این حجم صادرات سالانه، که تنها معادل چند ماه صادرات ترکیه است، شگفت آور به نظر می‌رسد. در عوض از لحاظ واردات ایران به رکوردی تازه دست یافت و بیست و شش میلیارد دلار، معادل نزدیک به پنج برابر صادرات غیر نفتی، کلا وارد کرد. رشد هر روزه تورم و گرانی و بیکاری شدید از دیگر معضلات اساسی اقتصاد ایران و فاسد ایران است.

با کارنامه‌ای اینچنینی سخن گفتن از خیزش اقتصادی در سمینارهای مختلف نوعی دروغپردازی پر رویانه از سوی عناصر حکومتی جمهوری اسلامی است. رژیم سیاسی ایران به دفعات ثابت کرده است آنچه که در راستای پیشبرد سیاست همیشگی خود که مواردی از آنها را برشمردیم لازم باشد، حتماً انجام خواهد داد و در این راه از هیچ کوششی حتی به قیمت کشاندن هرچه بیشتر جامعه ایرانی به فقر و فلاکت فروگذار نخواهد کرد.

واقعیت اقتصادی ایران آنست که جمهوری اسلامی یک رژیم استبدادی و نابهنگام معلق در فضا نیست، بلکه در عین حال که لایه-

تولید و بازرگانی، بسیج سرمایه گذاریهای داخلی، جذب سرمایه-گذاریهای خارجی و فتح بازارهای بین‌المللی بدست آورده است. ایران اسلامی به برکت حاکمیت مشتی آخوند مرتجع مختلس نه تنها در راه‌های اینچنینی گامی برنداشته بلکه دقیقاً نقطه مقابلهای آنرا در ایران می‌توان یافت. اگر چین هرگز بر سیاست تک محصولی صادراتی آن هم از نوع نفت خام تکیه نکرده است، جمهوری اسلامی با استخراجهای مکرر و همیشگی از منابع نفتی ایران گذشته از متکی کردن خود به اقتصاد نفتی، با پی-پروایی در کمترین قیمتها این منابع مردمی را به حراج گذاشته است. درآمدهای حاصله از نفت خام صادراتی نیز در عوض آنکه همانند سایر کشورها صرف مدرن کردن صنعت کشور در زمینه‌های مختلف گردد و دگرگونی‌های بزرگ در تولید و بازرگانی در سرلوحه اهداف آینده باشد، خرج عیاشیهای دستگاه خلیفه‌گری اسلامی، تقویت تروریسم اسلامی در عرصه جهانی، تجهیز رژیم سیاسی ایران به سلاحهای کشتار جمعی و پر کردن شماره حسابهای مافیای مقامات عالیرتبه رژیم و آفازاده‌های آنان در کشورهای اروپایی می‌گردد. بسیج سرمایه‌گذاریهای داخلی که اینک اقتصاد جهانی بر روی آن حساب ویژه‌ای باز کرده است، هرگز در ایران راه همواری برای آن وجود نداشته و گمان نمی‌رود که این وضع روزه بهبود بگذارد، چرا که بی‌ثباتی سیاسی و نا امنی سرمایه‌گذاری و اقتصاد ایران موجب شده که قرت ریسک پذیری به حداقل کاهش یابد و انباشت سرمایه غیر قابل بهره-برداری بهتر از به جریان انداختن آن تلقی شود. از طرف دیگر به همان مقدار که بسیج سرمایه‌گذاری داخلی در ایران به نازلترین سطح سقوط کرده و دلالی و بساز و بفروشی رونق گرفته است، جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز با مشکلاتی مشابه روبروست و آن خرده سرمایه‌گذاریهای انجام شده نیز در عرصه نفتی است که معمولاً در تسلط عده‌ای تاراجگر است که نمونه پرونده ستات اوایل نروژی که منجر به افشای فساد مالی عناصر

بحث برسر وضعیت اقتصاد ایران مسئله‌ایست که با کارنامه به جامانده و فعلی دولتهای گوناگون رژیم تا بحال، هر فرد و سازمان و گروهی را متقاعد کرده است که این اقتصاد چیزی جز خرابه‌های بزرگ شده نیست. با این حال توجه به برخی شواهد و قرائن ضروری است. در چهاردهمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی که هفته جاری در تهران برگزار شد، ابراهیم شیبانی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی شاخصهای سال گذشته اقتصاد ایران را رکورد توصیف کرد و افزود که ایران در مرحله خیز اقتصادی است.

رکورد نخست اقتصادی ایران از دیدگاه رئیس کل بانک مرکزی، در عرصه رشد اقتصادی به دست آمده که در سال گذشته به گفته او به ۶/۷ درصد رسیده است. ابراهیم شیبانی افزود که تنها در دو کشور منطقه، چین و هند، نرخ رشدهای اقتصادی بالاتری از ایران وجود داشته است. نگاهی به برخی رویلها و آمارهای منتشره در عرصه اقتصاد جهانی و کمی این طرفتر تا جایی که به ایران برگردد، سندیت اظهارات رئیس کل بانک مرکزی را به زیر سوال می‌برد.

از آنجا که اقتصاد ایران به لطف سیاستهای مافیایی و چپاولگرانه مقامات حکومتی آن، جز نفت به چیز دیگری متکی نیست و بهای نفت در مدتهای اخیر رشد چشمگیری داشته، تکانی به بودجه‌های واریز شده به صندوقهای جمهوری اسلامی داده است. به عبارت دیگر رکوردی که شیبانی از آن یاد کرده است، تنها ظاهری و به برکت رونق بازار جهانی نفت است و دیگر کشورهای صادرکننده این منبع زیر زمینی از الجزایر گرفته تا روسیه، از همین رکورد برونزا برخوردار شده‌اند. رکوردی که شیبانی به آن بالیده است نه ناشی از مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی کارشناسانه اقتصادی که به صدقه سر تحولات رفته بر صنعت نفت در عرصه جهانی است.

گزارشهای متعدد از کشورهای دیگر که شیبانی ایران را با کمی اختلاف همتراز آنها دانسته حاکی است که مقایسه ایران با چین و هند که از سوی شیبانی انجام گرفته، سخت غیر واقعی است، چرا که این دو غول جمعیتی و به ویژه چین، نرخ رشد خود را نه از راه صدور یک کالای خام به بازارهای جهانی، بلکه به بهای دگرگونی‌های بزرگ در

برگزاری مراسم شب شعر در

اردوگاه مرکزی کومه‌له

در تاریخ ۳۱ خرداد ماه جاری (پنج شنبه)، مراسم شب شعری با تدارک و آماده سازی مرکز فرهنگی-ادبی کومه‌له (ژیور) و با دعوت جمعی از شاعران و روشنفکران کردستان ایران و عراق و با حضور اعضای از دفتر سیاسی، کمیته مرکزی، کادرها و پیشمرگان کومه‌له در سالن محمد اورژ واقع در اردوگاه مرکزی کومه‌له برگزار گردید. این مراسم ابتدا با نکه داشتن یک دقیقه سکوت به یاد تمامی شاعران و روشنفکران شهید شده در صفوف مبارزان انقلابی جنبش انقلابی خلق کرد، آغاز گردید و بدنبال، رفیق آمانج عزیزکندی، مجری مراسم، با دعوت از رفیق عبدالله مهتدی دبیرکل کومه‌له، از وی خواستار ایراد سخنانی در این رابطه گردید. رفیق عبدالله نیز با حضور در سن مراسم، بر اهمیت جنبش روشنفکری کردستان ایران تاکید نموده و همکاری و نزدیکی روشنفکران کردستان ایران و عراق را امری مناسب و گرانمایه تلقی نمود. رفیق عبدالله به ملزومیت نزدیکی هرچه بیشتر سیاست انقلابی و روشنفکری ترقیخواهانه در جنبش روشنفکری جامعه کردستان و در میان روشنفکران آزادیخواه تاکید نمود و ایرادداشت که کومه‌له پشتیبان راستین اینگونه همکاریها و تحرکات روشنفکری کردستان ایران می‌باشد. به دنبال سخنان رفیق عبدالله، شاعران حاضر در مراسم هریک به نوبت اشعار خود را تقدیم به حاضرین نمودند و سپس مراسم به اتمل رسید.